



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی

عنوان پایان‌نامه

نگرش نخبگان ایرانی نسبت به نقش آفرینی اروپا در خاورمیانه (۲۰۱۰-۲۰۰۴)

استاد راهنما

جناب آقای دکتر حسین سلیمی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر محمد جواد غلامرضا کاشی

استاد داور

جناب آقای دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی

نگارش

لیلا آهار

مقطع تحصیلی

کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای (اروپا)

تیر ۱۳۹۱

بہ نام حکماء و نویسندگان و قلم

حقیقت نگاران و جوہر و

عظام

این تحقیق تقدیم می‌شود به پیشگاه

اساتید بزرگوارم و در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد

و دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه

طباطبایی به پاس آنچه که در محضرشان آموختم

با سپاس فراوان از اساتید ارجمند آقایان دکتر حسین سلیمی و دکتر محمد جواد

غلامرضا کاشی که مرا در انجام این تحقیق یاری کردند و بی دریغ تجارب و

اندوخته‌های علمی‌شان را در اختیارم قرار دارند

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق	۱
۱. بیان مسئله	۲
۲. ضرورت و اهمیت تحقیق	۴
۳. ادبیات موجود	۶
۴. سؤال تحقیق	۱۳
۵. فرضیه تحقیق	۱۳
۶. متغیرهای تحقیق	۱۳
۶-۱ متغیر مستقل	۱۴
۶-۲ متغیر میانجی	۱۴
۶-۳ متغیر وابسته	۱۴
۷. شاخص‌های تحقیق	۱۴
۷-۱ شاخص متغیر مستقل و میانجی	۱۴
۷-۲ شاخص متغیر وابسته	۱۵
۸. مفاهیم تحقیق	۱۶
۹. مقطع زمانی تحقیق	۱۷
۱۰. روش تحقیق	۱۸
۱۱. سازماندهی تحقیق	۱۹
فصل دوم: چارچوب نظری	۲۱
۱. نظریه سازه‌انگاری	۲۳
۲. مفاهیم اصلی نظریه سازه‌انگاری	۲۷
۳. دلایل انتخاب نظریه سازه‌انگاری	۳۸
فصل سوم: رقابت آمریکا و اروپا در خاورمیانه و انگاره‌های ایرانیان	۵۱
۱. رقابت آمریکا و اروپا در خاورمیانه	۵۳

۵۹	۲. انگاره‌های ایرانیان
۷۱	فصل چهارم: حضور آمریکا در خاورمیانه
۷۴	۱. فرایند صلح خاورمیانه
۷۴	۱-۱ مرور فرایند صلح خاورمیانه تا سال ۲۰۰۴
۷۶	۱-۲ رابطه آمریکا و اسرائیل
۷۹	۱-۳ اقدامات آمریکا در فرایند صلح خاورمیانه
۸۰	۱-۳-۱ دوران جرج بوش
۸۲	۱-۳-۲ دوران اوپاما
۸۶	۲. حضور در عراق
۸۶	۲-۱ مرور روند حمله به عراق
۹۰	۲-۲ انگیزه آمریکا از حمله به عراق
۹۱	۲-۳ اقدامات آمریکا پس از سرنگونی رژیم بعثی صدام حسین
۹۲	۲-۳-۱ دوران جرج بوش
۹۸	۲-۳-۲ دوران اوپاما
۱۰۶	۳. برنامه هسته‌ای ایران
۱۰۶	۳-۱ مرور وقایع
۱۰۷	۳-۲ دلایل مخالفت آمریکا با برنامه هسته‌ای ایران
۱۰۸	۳-۳ اقدامات آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران
۱۰۹	۳-۳-۱ تبلیغات منفی علیه ایران
۱۱۴	۳-۳-۲ تلاش برای ایجاد اجماع بین‌المللی علیه ایران
۱۱۸	۳-۳-۳ ایفای نقش در تهیه پیش‌نویس قطعنامه‌های شورای حکام آژانس و شورای امنیت
۱۱۹	۳-۳-۴ اعمال تحریم‌های یکجانبه بر علیه جمهوری اسلامی ایران
۱۲۲	۳-۴. گزینه‌ها
۱۲۶	فصل پنجم: حضور اروپا در خاورمیانه
۱۲۹	۱. فرایند صلح خاورمیانه

۱۲۹	۱-۱ رویکرد اروپاییان نسبت به روند صلح خاورمیانه
۱۳۰	۱-۲ اقدامات اروپا در قبال فرایند صلح خاورمیانه
۱۳۱	۱-۲-۱ اتحادیه اروپایی
۱۳۷	۱-۲-۲ آلمان
۱۴۲	۱-۲-۳ انگلستان
۱۴۰	۱-۲-۴ فرانسه
۱۴۴	۲. حضور در عراق
۱۴۴	۲-۱ ضرورت بازسازی عراق
۱۴۷	۲-۲ اقدامات کشورهای اروپایی در عراق
۱۴۷	۲-۲-۱ آلمان
۱۵۱	۲-۲-۲ انگلستان
۱۵۸	۲-۲-۳ فرانسه
۱۶۰	۳. برنامه هسته‌ای ایران
۱۶۱	۳-۱ رویکرد اروپا نسبت به برنامه هسته‌ای ایران
۱۶۲	۳-۲ اقدامات اروپا در قبال برنامه هسته‌ای ایران
۱۶۲	۳-۲-۱ مذاکرات با ایران
۱۶۸	۳-۲-۲ تصویب قطعنامه‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی
۱۷۰	۳-۲-۳ تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و اعمال تحریم‌ها
۱۷۵	۳-۲-۴ تحریم‌های مستقل اتحادیه اروپایی علیه ایران
۱۷۶	۳-۲-۵ آلمان
۱۷۷	۳-۲-۶ انگلستان
۱۷۸	۳-۲-۷ فرانسه
۱۸۰	فصل ششم: نگرش نخبگان ایرانی
۱۸۴	۱. مشخصات پاسخ‌دهندگان
۱۸۷	۲. روش‌های کسب اطلاعات
۱۸۸	۳. مواضع آمریکا و اروپا نسبت به یکدیگر در سطح نظام بین‌الملل

۱۹۳ ۴. مسائل مورد توجه آمریکا و اروپا در خاورمیانه
۲۰۳ ۵. اقدامات آمریکا و اروپا در فرایند صلح خاورمیانه
۲۰۸ ۶. اقدامات آمریکا و اروپا در عراق
۲۱۲ ۷. اقدامات آمریکا و اروپا در قبال برنامه هسته‌ای ایران
۲۱۶ ۸. نتیجه‌گیری
۲۲۰ فصل هفتم: رفتار کارگزاران
۲۲۱ ۱. قدرت‌های خارجی
۲۲۴ ۱-۱ آمریکا
۲۲۶ ۲-۱ آلمان
۲۲۷ ۳-۱ انگلستان
۲۲۸ ۴-۱ فرانسه
۲۳۰ ۲. جمهوری اسلامی ایران
۲۳۸ نتیجه‌گیری
۲۴۵ کتابنامه

فهرست جدول‌ها

۹۳ جدول ۱-۴. تعداد کشته‌ها در میان مردم غیر نظامی عراق
۹۳ جدول ۲-۴. نظامیان کشته شده آمریکایی در عراق
۱۸۴ جدول ۱-۶. جنسیت پاسخ‌دهندگان
۱۸۴ جدول ۲-۶. رده سنی پاسخ‌دهندگان
۱۸۵ جدول ۳-۶. وضعیت علمی پاسخ‌دهندگان
۱۸۵ جدول ۴-۶. گرایش تحصیلی پاسخ‌دهندگان
۱۸۶ جدول ۵-۶. میزان علاقمندی به حوزه روابط بین‌الملل

- جدول ۶-۶. پیگیری اخبار مربوط به هر یک از شاخص‌های تحقیق ۱۸۶
- جدول ۶-۷. طرق پیگیری اخبار مربوط به مسائل بین‌المللی ۱۸۷
- جدول ۶-۸. یکجانبه‌گرایی در سیاست‌های آمریکا ۱۸۸
- جدول ۶-۹. افزایش نقش اروپا ۱۸۹
- جدول ۶-۱۰. دنباله‌روی اروپا از آمریکا ۱۹۰
- جدول ۶-۱۱. رقابت آمریکا و اروپا ۱۹۱
- جدول ۶-۱۲. نیاز آمریکا به حمایت اروپا ۱۹۱
- جدول ۶-۱۳. همراهی اروپا با آمریکا ۱۹۳
- جدول ۶-۱۴. مداخله قدرت‌های خارجی در خاورمیانه ۱۹۴
- جدول ۶-۱۵. منافع مشترک آمریکا و اروپا در خاورمیانه ۱۹۴
- جدول ۶-۱۶. مسائل مورد توجه آمریکا در خاورمیانه ۱۹۶
- جدول ۶-۱۷. مسائل مورد توجه اروپا در خاورمیانه ۱۹۸
- جدول ۶-۱۸. برگزاری کنفرانس‌های صلح بین‌المللی ۲۰۴
- جدول ۶-۱۹. تشکیل دولت فلسطینی ۲۰۴
- جدول ۶-۲۰. بهبود وضعیت اقتصادی و شرایط زندگی مردم سرزمین‌های اشغالی ۲۰۵
- جدول ۶-۲۱. حمایت آمریکا از اسرائیل ۲۰۶
- جدول ۶-۲۲. حمایت اروپا از ابتکارات آمریکا در روند صلح ۲۰۶
- جدول ۶-۲۳. عملکرد آمریکا در عراق ۲۰۹
- جدول ۶-۲۴. موافقتنامه استراتژیک آمریکا و عراق (۲۰۰۸) ۲۱۰
- جدول ۶-۲۵. ضرورت بازسازی عراق و نیاز به سرمایه‌گذاری ۲۱۰
- جدول ۶-۲۶. ایجاد اجماع جهانی علیه برنامه هسته‌ای ایران ۲۱۲
- جدول ۶-۲۷. تلاش اروپا برای ایفای نقش فعال در بحران هسته‌ای ایران ۲۱۲
- جدول ۶-۲۸. اروپاییان قابل اعتمادتر از آمریکا در حل مسئله هسته‌ای ایران ۲۱۳
- جدول ۶-۲۹. جهت‌گیری سیاسی آمریکا و اروپا در قبال برنامه هسته‌ای ایران ۲۱۴
- جدول ۶-۳۰. مواضع اروپا و آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران ۲۱۵
- جدول ۶-۳۱. اعتماد به قدرت‌های خارجی برای حل مسائل خاورمیانه ۲۱۶
- جدول ۶-۳۲. میزان اعتماد نسبت به نقش‌آفرینی اروپا در خاورمیانه ۲۱۷

فهرست نمودارها

- نمودار ۱-۴. مرگ و میر ناشی از بمب‌گذاری‌ها در عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ ۹۳
- نمودار ۲-۴. عملکرد جرج بوش در عراق را مفید یا غیر مفید ارزیابی می‌کنید؟ ۹۶
- نمودار ۱-۵. صادرات نفت عراق از ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳ ۱۴۵
- نمودار ۲-۵. واردات عراق از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳ ۱۴۶
- نمودار ۳-۵. پیش‌بینی درباره میزان تولید نفت در عراق تا سال ۲۰۱۴ ۱۴۷
- نمودار ۱-۶. گرایش تحصیلی پاسخ‌دهندگان ۱۸۵
- نمودار ۲-۶. پیگیری اخبار مربوط به هر یک از شاخص‌های تحقیق ۱۸۶
- نمودار ۳-۶. راه‌های پیگیری اخبار مربوط به مسائل بین‌المللی ۱۸۸
- نمودار ۴-۶. مسائل مورد توجه آمریکا در خاورمیانه ۱۹۷
- نمودار ۵-۶. مسائل مورد توجه اروپا در خاورمیانه ۱۹۹
- نمودار ۶-۶. مقایسه مسائل مورد توجه آمریکا و اروپا در خاورمیانه ۲۰۰
- نمودار ۷-۶. میزان اعتماد نسبت به نقش‌آفرینی اروپا در خاورمیانه ۲۱۹

چکیده

در این تحقیق تلاش شده است با تکیه بر نگرش نخبگان ایرانی مسئله نقش‌آفرینی اروپا در خاورمیانه مورد بررسی قرار گیرد. انگاره‌ها یا ایده‌هایی که تحت تأثیر رویدادها، روندها و تحولات ساختاری شکل می‌گیرند و به عبارت بهتر تکوین می‌یابند مسئله محوری این تحقیق است بر این اساس هدف اصلی از انجام این تحقیق بررسی وجود انگاره‌ای به نام «کاهش اعتماد نسبت به اروپا» در ذهنیت دانشگاهیان و محققین ایرانی است. توجه قدرت‌های بزرگ جهانی از سالیان دور به خاورمیانه و استمرار آن تا به امروز و البته به احتمال قریب به یقین تداوم آن در آینده، مسائلی را پیرامون انگیزه‌های این قدرت‌های بزرگ از حضور در خاورمیانه؛ چگونگی تعامل آنان با یکدیگر در خاورمیانه؛ تأثیر تحولات ساختاری بر تعاملات میان آنان و مهم‌تر از همه تأثیر حضور و اقدامات آن‌ها در خاورمیانه بر یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه یعنی ایران و نخبگان فکری و سیاسی آن، بر- می‌انگیزد و ما را به انجام مطالعه‌ای دربارهٔ مسائل مذکور ترغیب می‌کند. گمان نگارنده بر این است که تمام این موضوعات با یکدیگر در ارتباطند و برهم تأثیر می‌گذارند و بازتاب این تأثیرات را می‌توان در انگاره‌هایی که در هر یک از این کنشگران - قدرت‌های بزرگ خارجی و ایران - نسبت به دیگری شکل گرفته است جستجو کرد و این مسئله زمانی اهمیت خود را بهتر نشان می‌دهد که بدانیم، انگاره‌های کنشگران نسبت به یکدیگر مبنای رفتارها و سیاست‌هایی است که آنان نسبت به هم اتخاذ و اعمال می‌کنند.

فصل اول

کلیات تحقیق

کلیات تحقیق

۱- بیان مسئله

وقتی متون مربوط به تاریخ خاورمیانه را مطالعه می‌کنیم در اغلب آن‌ها ردپای حضور کشورهای خارجی را می‌بینیم در گذشته‌های دورتر انگیزه‌های تجاری دلیل این موضوع بود و با افزایش دامنه نفوذ قدرت‌های خارجی - به طور عمده اروپایی - مانند تلاش انگلستان برای حفظ منافع خود در هندوستان، تلاش فرانسه برای عبور از ایران جهت دستیابی به هندوستان، تلاش روسیه برای رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس، اهمیت مسیر خلیج فارس و ایران برای ارسال مهمات به اتحاد جماهیر شوروی در جنگ جهانی دوم و ... در خاورمیانه، آن‌گاه ویژگی‌های استراتژیکی و جغرافیایی خاورمیانه برای قدرت‌های بزرگ آن روزگار حائز اهمیت شد (کوهن، ۱۳۸۷؛ لوئیس، ۱۳۸۶) و بعد کشف نفت در کشورهای خاورمیانه و پی بردن به اهمیت آن به عنوان سوخت کشتی‌های جنگی و تجاری و ... بر اهمیت این منطقه و به تبع آن بر تمایل قدرت‌های خارجی جهت حضور در این منطقه افزود (اسلاگت، ۱۳۸۶؛ لنچافسکی، ۱۳۳۷؛ لوسیانی، ۱۳۸۶؛ هادسون، ۱۳۸۶). این روند تا امروز ادامه دارد و در زمان ما نیز قدرت‌های بزرگ همچنان طالب و مشتاق حضور در این منطقه پراهمیت هستند.

توجه قدرت‌های بزرگ جهانی از سالیان دور به خاورمیانه و استمرار آن تا به امروز و البته به احتمال قریب به یقین تداوم آن در آینده، مسائلی را پیرامون انگیزه‌های این قدرت‌های بزرگ از حضور در خاورمیانه؛ چگونگی تعامل آنان با یکدیگر در خاورمیانه؛ تأثیر تحولات ساختاری بر تعاملات میان آنان در خاورمیانه و مهم‌تر از همه تأثیر حضور و اقدامات آن‌ها در خاورمیانه بر یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه یعنی ایران؛ برمی‌انگیزد و ما را به انجام مطالعه‌ای دربارهٔ مسائل مذکور ترغیب می‌کند. گمان ما بر این است که تمام این موضوعات با یکدیگر در ارتباطند و برهم تأثیر می‌گذارند و بازتاب این تأثیرات را می‌توان در انگاره‌هایی که در هر یک از این کنشگران -

قدرت‌های بزرگ خارجی و ایران - نسبت به دیگری شکل گرفته است جستجو کرد و این مسئله زمانی اهمیت خود را بهتر نشان می‌دهد که بدانیم، انگاره‌های کنشگران نسبت به یکدیگر مبنای رفتارها و سیاست‌هایی است که آنان نسبت به هم اتخاذ و اعمال می‌کنند.

مهم‌ترین قدرت‌های خارجی که ابتدا قدم به خاورمیانه گذاشتند کشورهای اروپایی بودند شواهد تاریخی گویای این است که رقابت زیادی میان آنان برای کسب نفوذ بیشتر در خاورمیانه جریان داشته است و در نهایت نیز دو کشور انگلستان و فرانسه موفق‌تر از دیگر کشورهای اروپایی عمل کردند. اما با تحولات ساختاری در نظام بین‌الملل و ظهور قدرت‌های جدیدی در جهان به تدریج رقبای دیگری برای کشورهای اروپایی در خاورمیانه پیدا شد که جدی‌ترین آن‌ها ایالات متحده بود. این بار رقابت برای کسب نفوذ بیشتر میان آمریکا و کشورهای اروپایی در گرفت و با وضعی که پس از جنگ جهانی دوم دامن‌گیر اروپاییان گردیده بود به تدریج از میزان نفوذ آنان - به خصوص نفوذ سیاسی و نظامی - در خاورمیانه کاسته شد و در عوض آمریکا این فرصت را یافت تا با عنایت به قدرت، ظرفیت‌ها و امکانات خود، نفوذ خود را در منطقه عمیق‌تر نماید. اما باز هم تغییر دیگری در ساختار نظام بین‌الملل - پایان جنگ سرد - فرصت دوباره‌ای برای کشورهای قدرتمند اروپایی - آلمان، انگلستان، فرانسه - جهت نقش‌آفرینی قدرتمند و مؤثر در خاورمیانه فراهم کرد و باز هم قصه رقابت میان اروپا و آمریکا در خاورمیانه از نو آغاز شد.

به موازات تعاملاتی که در قالب همکاری، رقابت، دوستی، دشمنی و ... در میان قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه برقرار بود، انگاره‌هایی در نزد ایرانیان نسبت به رفتار این قدرت‌های بزرگ با یکدیگر شکل گرفت و تأثیر این ایده‌های برساخته شده در نزد ایرانیان را در سیاست‌ها و رفتارهایی که در این مدت نسبت به قدرت‌های خارجی اتخاذ کرده‌اند به خوبی مشاهده می‌کنیم. مهم‌ترین سیاستی که ایران در قبال رفتار و اقدام‌های قدرت‌های بزرگ حاضر در خاورمیانه اتخاذ کرده است، سیاست برقراری توازن میان آنان و نزدیکی به یکی از آن‌ها - به طور خاص اروپا - برای توازن بخشیدن به رفتار دیگری است. اتخاذ این سیاست متأثر از تعامل قدرت‌های بزرگ با یکدیگر و نیز تعامل ایران با آن‌ها است، به نحوی که در سال‌های اخیر با نزدیکی مواضع قدرت‌های بزرگ غربی - آمریکا و اروپا - در برخی مسائل مهم خاورمیانه به ویژه در مواجهه با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، ملاحظه می‌شود که سیاست توازن به سمت نزدیکی با شرق - خصوصاً چین - و کشورهای حوزه آمریکای لاتین و نیز اعضای جنبش عدم تعهد متمایل شده است و جمهوری اسلامی ایران تلاش دارد تا با برقراری نزدیکی بیشتر با این کشورها در برابر اقدام‌ها و مواضع قدرت‌های غربی توازن ایجاد کند.

تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران نسبت به اروپا - پس از طی دوران افزایش تعاملات اقتصادی و سیاسی در دوران دولت‌های سازندگی و اصلاحات - یکی از مواضع مهم سیاست خارجی ایران در سال‌های اخیر - به طور خاص دولت نهم - بوده است. گمان ما بر این است که دلیل این تغییر رفتار در انگاره «کاهش اعتماد نسبت به اروپا» ریشه دارد بنابراین تلاش داریم تا به ببینیم آیا چنین انگاره‌ای وجود دارد؟ و از آن جایی که انگاره‌ها بازتاب وقایع و تحولات رخ داده در عالم مادیات - در این جا ساختار نظام بین‌الملل و سطح منطقه خاورمیانه - هستند، بنابراین ریشه‌های این انگاره را در کجا باید جستجو کرد؟ به عبارت بهتر چه تحولاتی در نظام بین‌الملل و خاورمیانه، علی‌الخصوص رفتار آمریکا و اروپا در خاورمیانه رخ داده است که باعث برساختن انگاره «کاهش اعتماد نسبت به اروپا» در نزد ایرانیان گشته است؟ برای پاسخ به این سؤالات تصمیم داریم به دانشگاهیان و محققان ایرانی در زمینه دانش سیاست و روابط بین‌الملل - تحت عنوان نخبگان ایرانی - رجوع کنیم و از طریق سنجش نگرش آنان نسبت به نقش‌آفرینی آمریکا و اروپا در خاورمیانه، قدرت درک و تحلیل تغییر رفتار دولت جمهوری اسلامی ایران را کسب کنیم.

۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

در باب چرایی اهمیت این تحقیق در زمان حاضر و برای دانش روابط بین‌الملل، همچنین صرف وقت و امکانات برای انجام آن چند نکته را باید توضیح داد:

▪ حساسیت مسئله حضور قدرت‌های بزرگ خارجی در خاورمیانه برای ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه؛

قدرت‌های بزرگ بر اساس هویتی که برای خود تعریف می‌کنند، منافع‌ی نیز برای خود معین می‌کنند که غالباً با توجه به جایگاه آنان در ساختار نظام بین‌الملل به عنوان قدرت بزرگ منحصر به محدوده جغرافیایی خود آنان نیست و طبعاً مناطق مهم جهان همچون خاورمیانه را نیز شامل می‌گردد. بنابراین این کشورها با توجه با ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود به دنبال اخذ منافع‌شان در مناطق دیگر خواهند بود و تمام تلاش خود را برای حضور در آن مناطق و افزایش نفوذ در آن به کار خواهند گرفت. این رویکرد قدرت‌های بزرگ به طور طبیعی کشورهای حاضر در مناطق مورد نظر را نیز درگیر و متأثر خواهد کرد. در این بین درباره منطقه خاورمیانه باید در نظر داشت که ایران نیز یکی از کشورهای بزرگ و مهم - با ویژگی‌های خاص جمعیتی، فرهنگی، جغرافیایی، ژئوپلتیکی، ذخایر انرژی و ... - در این منطقه است و به دلیل برخورداری از همین ویژگی‌ها است که ایران به عنوان کشوری مهم در خاورمیانه از دیرباز مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده و همواره برای کسب و افزایش نفوذ

در آن میان قدرت‌های خارجی رقابت وجود داشته است و چه بسا هر از گاهی بازیچه‌ای در دست آنان یا ابزاری برای وجه‌المصالحه میان قدرت‌های بزرگ بوده است. بر این اساس ایران را باید کشوری بین‌المللی در نظر گرفت که نمی‌تواند نسبت به وقایع و اتفاقاتی که در پیرامون آن در سطح نظام بین‌الملل و یا در سطح منطقه روی می‌دهد بی‌توجه باشد و در شرایط انزوا به سر ببرد برای این‌که خواه، ناخواه مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای این کشور را درگیر خود خواهند کرد.

با این تفاسیر مطالعه حضور آمریکا و اروپا به عنوان قدرت‌های بزرگی که از گذشته‌های دور در خاورمیانه حضور داشته‌اند، بررسی منافی است که در این منطقه برای خود تعریف کرده‌اند و اقداماتی که برای دستیابی به منافع‌شان انجام داده‌اند و نوع تعامل و مناسبات میان آنان در خصوص مواضعی که نسبت به رویدادهای خاورمیانه اتخاذ کرده‌اند همچنان حائز اهمیت است. به ویژه که ما برای انجام مطالعه بر روی اقدامات آنان در خاورمیانه مقطع زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ را برگزیده‌ایم و تمرکز خود را بر روی سه مسئله مهم در خاورمیانه که حتی جزء مسائل مهم بین‌المللی نیز قلمداد می‌شوند یعنی؛ فرایند صلح خاورمیانه، مسائل عراق پس از اشغال آن و برنامه هسته‌ای ایران قرار داده‌ایم.

▪ اهمیت قائل شدن برای رفتار دولت‌ها و استفاده از رویکرد سازه‌انگارانه برای مطالعه آن؛

در رویکردهای مربوط به نظریه‌های جریان اصلی روابط بین‌الملل خصوصاً نظریه‌های رئالیستی و نورئالیستی، دولت‌ها همچنان بازیگران اصلی در عرصه بین‌المللی قلمداد می‌گردند، ما نیز در این تحقیق دولت را به عنوان بازیگر و یا کارگزار اصلی در نظر گرفته‌ایم و هدف نهایی مطالعه خود را بررسی رفتار دولت‌های مورد نظر در تحقیق - آمریکا، آلمان، انگلستان، فرانسه و ایران - قرار داده‌ایم اما سعی داریم با رویکردی به مطالعه رفتار دولت‌ها بپردازیم که با توجه به اهداف تحقیق ما قادر باشد: (۱) تأثیر وقایع و تحولات ساختاری بر روی رفتار کارگزاران را به خوبی نشان دهد و همچنین بتوانیم از طریق آن انعکاس عملکرد بازیگران را در ساختار مشاهده کنیم؛ (۲) بر تعاملات میان دولت‌ها و تأثیری که آن‌ها در جریان تعامل بر یکدیگر می‌گذارند تأکید داشته باشد؛ (۳) رفتار بازیگران را تنها متأثر از تحولات ساختاری نداند بلکه علاوه بر آن، برای عوامل داخلی یک جامعه که می‌توانند بر رفتار دولت تأثیر گذارند نقش قائل شود و امکانی برای ما فراهم کند تا از طریق برقراری تعامل میان عوامل سطح نظام بین‌الملل و عوامل سطح داخلی بتوانیم به درک کامل‌تری از رفتار کارگزاران برسیم؛ (۴) هویت دولت‌ها را امری پیشینی - ماقبل اجتماعی - و از پیش ساخته نداند بلکه برای هویت‌ها مبنای اجتماعی قائل بوده و بر این باور باشد که هویت بازیگران به صورت اجتماعی و در جریان تعاملات آن‌ها با دیگر کارگزاران و یا تحت تأثیر هنجارها و ایده‌های نهادینه شده در جامعه برساخته می‌شوند و بر اساس همین هویت، دولت‌ها

منافع خود را تعریف می‌کنند و برای دستیابی به منافع مورد نظرشان رفتارهایی مناسب با هویت خود اتخاذ می‌کنند؛ (۵) برای انگاره‌ها - ایده‌هایی که در جریان تعامل اجتماعی و تحت تأثیر آن ساخته می‌شوند و مبنای یک شناخت و آگاهی مشترک و جمعی را فراهم می‌کنند - به عنوان مبنایی برای شکل گرفتن رفتارهای کارگزاران و اتخاذ سیاست‌ها و مواضع توسط آنان اهمیت قائل باشد.

بنابراین در این تحقیق با استفاده از رویکرد سازه‌انگارانه تلاش می‌کنیم تا از منظر متفاوت نسبت به نظریه‌های جریان اصلی روابط بین‌الملل به مطالعه رفتار کارگزاران بپردازیم و در این بین مطالعه رفتار جمهوری اسلامی ایران در قبال حضور و اقدامات آمریکا و اروپا در خاورمیانه برای ما اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت و سعی ما بر این خواهد بود تا با برقراری تعامل میان عوامل مؤثر بر شکل گرفتن هویت و رفتار در سطح نظام بین‌الملل و سطح عوامل داخلی جامعه به درک مطلوب‌تری از رفتار جمهوری اسلامی ایران در قبال اروپا برسیم.

▪ گردآوری داده‌ها و اطلاعات جدید؛

یک از فصل‌های این تحقیق به بررسی و تحلیل داده‌ها و جدول‌هایی اختصاص یافته است، که حاصل سنجش نگرش دانشگاهیان و محققان روابط بین‌الملل و علوم سیاسی ایرانی نسبت به نقش‌آفرینی آمریکا و اروپا است. ما برای کسب نگرش نخبگان ایرانی از یکی از روش‌های پیمایش یعنی تهیه پرسشنامه استفاده کرده‌ایم. بر این اساس این تحقیق، اطلاعات و داده‌های ارزشمندی را از جمعی از افراد خبره و کارشناس درباره مسائل سیاسی و بین‌المللی گردآوری خواهد کرد که حتی می‌تواند در پژوهش‌های دیگر مورد استفاده محققان قرار گیرد.

۳- ادبیات موجود

با توجه به دو مسئله محوری در این تحقیق یعنی (۱) حضور قدرت‌های بزرگ خارجی در خاورمیانه و (۲) انگاره‌های ایرانیان نسبت به آن، بهتر دیده شد که مرور ادبیات موجود نیز بر همین اساس و در دو بخش صورت گیرد. بدین ترتیب ابتدا به مطالعه‌های انجام شده در باب نقش‌آفرینی ایالات متحده و اروپا در خاورمیانه خواهیم پرداخت و سپس به ادبیاتی که می‌توان انگاره‌های محققین و اندیشمندان ایرانی را نسبت به ایفای نقش آمریکا و اروپا در آن جستجو کرد اشاره خواهیم داشت.

▪ حضور آمریکا و اروپا در خاورمیانه

نکته مشترکی که به طور تقریبی در تمام منابع مربوط به حضور قدرت‌های خارجی در خاورمیانه به چشم می‌خورد تأکید بر اهمیت خاورمیانه است. اغلب آن‌ها بر این نکته تأکید دارند که خاورمیانه، منطقه‌ای است با

ویژگی‌های منحصر به فرد و از مسیر برشمردن این خصوصیت‌ها وارد بحث انگیزه قدرت‌های بزرگ برای نقش-آفرینی در این منطقه می‌شوند. به نوشته برنارد کوهن:

مکان جغرافیایی خاورمیانه به عنوان پیوندگاه سه قاره جهان قدیم، مدت‌های طولانی اهمیت استراتژیک جهانی به راه‌های عبور و مرور آبی و خاکی آن بخشیده است. این مسیرها و ذخایر عظیم نفت نیز از جمله عوامل جذب کننده قدرت‌های خارجی به منطقه بوده است ... در سرتاسر قرن‌های نوزده و بیست، قدرت‌های اروپای غربی و روسیه برای کسب پایگاه نفوذ در منطقه به رقابت می-پرداختند (کوهن، ۱۳۸۷: ۶۵۴-۶۵۳).

با توجه به اهمیتی که منطقه خاورمیانه دارد به طور حتم قدرت‌های بزرگ خارجی انگیزه‌های مهمی برای نفوذ در این منطقه داشته و خواهند داشت. رضیه موسوی در کتاب خود با عنوان **معمای ایران و آمریکا** به طور مبسوط و با ذکر از منابع متعدد به این انگیزه‌ها اشاره می‌کند. در این کتاب به نقل از یک گزارش رسمی تحت عنوان «منافع ملی آمریکا» که به سرپرستی گراهام آلیسون و رابرت بلک ویل و با مشارکت استادان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و حمایت دانشگاه هاروارد، موسسه راند، مرکز صلح و آزادی نیکسون و مرکز تحقیقات علمی و مسائل بین‌المللی بلفر، تهیه شده است، منافع خاورمیانه‌ای آمریکا در سه سطح: (۱) منافع ملی حیاتی، (۲) منافع ملی خیلی مهم و (۳) منافع ملی؛ رده‌بندی شده‌اند و در هر رده منافع به ترتیب اولویت ذکر و بررسی شده‌اند. منافع ملی حیاتی در منطقه خاورمیانه عبارتند از: الف) بقای اسرائیل، ب) تضمین جریان نفت به بازار آزاد. منافع ملی بسیار مهم آمریکا در خاورمیانه به ترتیب عبارتند از: الف) جلوگیری از دستیابی دولت‌های منطقه به سلاح‌های کشتار جمعی (به ویژه ایران و عراق)؛ ب) جلوگیری از ظهور یک دولت مسلط (هژمون) منطقه‌ای؛ ج) تداوم و توفیق فرایند صلح اعراب و اسرائیل؛ د) حفظ روابط حسنه آمریکا با قدرت‌های منطقه‌ای طرفدار غرب، و در نهایت منافع ملی مهم آمریکا در خاورمیانه شامل: الف) حمایت از دولت‌های معتدل و میانه‌رو منطقه و رعایت حقوق بشر؛ ب) مقابله با تروریسم در منطقه، می‌باشند (موسوی، ۱۳۸۹: ۱۰۲-۱۰۱). برای اروپا نیز مسئله نیاز به انرژی، نزدیکی جغرافیایی و به تبع آن ضرورت ثبات در منطقه خاورمیانه قابل توجه است (هولیس، ۱۳۸۶؛ صادقی، ۱۳۸۶؛ Marr, ۱۹۹۸).

نکته مهم دیگر در ادبیات مربوط به حضور قدرت‌های خارجی در خاورمیانه، توجه به رویدادهای تاریخی و نقش آمریکا و اروپا در تاریخ خاورمیانه است. به همین دلیل، روش تاریخی-تحلیلی نگاه غالب در بررسی‌های و مطالعات مربوط به این منطقه می‌باشد. مورلی میلتن ادوارد و پیتر هینچ‌کلیف در کتاب خود با عنوان **بحران در**

خاورمیانه از این نگاه تحلیلی برای ریشه‌یابی منازعات و بحران‌های خاورمیانه بهره گرفته‌اند. در این کتاب اشاره می‌شود: «بر اثر تجزیه منطقه خاورمیانه و تقسیم مصنوعی آن که در راستای اهداف استراتژیک و استعماری قدرت‌های خارجی بود، کشورهای ساختگی به وجود آمدند که مرزهای میان آن‌ها محل اختلاف است. مهم‌تر آن‌که در این اهداف استراتژیک توجه به منافع و علائق مردم بومی منطقه جایی نداشت.» (میلتون ادوارد و هینچ‌کلیف، ۱۳۸۵: ۴). روزماری هولیس در فصلی از کتاب **روابط بین‌المللی خاورمیانه** برای روابط اروپا و خاورمیانه در قرن بیستم سه مرحله قائل می‌شود:

نخست، گسترش جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی تا دهه ۱۹۵۰ که عصر امپریالیسم اروپایی در خاورمیانه است و نظام نوین دولت در منطقه از آن زاده شد. دومین مرحله مقارن است با جنگ سرد که در خلال آن اروپا جزء اردوگاه غرب بود و در زمانی که فرانسه و بریتانیا نیز بُرد استعماری خود را از نو ترسیم می‌کردند، ایالات متحده به طور یکجانبه قدرت و نفوذ خود را در خاورمیانه افزایش داد ... وجه فرعی جنگ سرد بین قدرت‌های غربی برای کسب منافع بازرگانی بود. و مرحله سوم، دوره پس از جنگ سرد است که از ابتدای دهه ۱۹۹۰ آغاز می‌شود یعنی زمانی که اتحادیه اروپا به یک بازیگر همپایه و هم‌اورد ایالات متحده تبدیل می‌شود. اتحادیه اروپا ابزاری است که دولت‌های اروپایی عضو آن از جمله فرانسه و بریتانیا از طریق این اتحادیه با خاورمیانه تعامل می‌کنند و ابتکارات مشترک سیاسی و دیپلماتیک را پیگیری می‌نمایند، اما این اتحادیه هنوز یک بازیگر یگانه و یکپارچه نیست (هولیس، ۱۳۸۶: ۵۱۸).

اگر بخواهیم منابع موجود را بر اساس میزان توجه به حضور آمریکا و اروپا در خاورمیانه مرور کنیم خواهیم دید که بخش بیشتری از این ادبیات به نقش‌آفرینی آمریکا در خاورمیانه اختصاص یافته است و جالب این‌جاست که حتی گروهی که به مطالعه درباره بازیگری اروپا در خاورمیانه پرداخته‌اند نیز به دلیل حضور گسترده آمریکا طی جنگ سرد در خاورمیانه و محکم شدن جای پای آن پس از فروپاشی شوروی، نمی‌توانند بدون در نظر گرفتن حضور گسترده آمریکا در منطقه و نقش تأثیرگذار آن در مسائل خاورمیانه به بررسی ایفای نقش اروپا در خاورمیانه بپردازند. مایکل هادسون در مقاله خود با عنوان «ایالات متحده در خاورمیانه» با مرور روند افزایش نقش آمریکا در تحولات خاورمیانه، این موضوع را عامل از بین رفتن تصویر مثبت آمریکا در میان کشورها و مردم منطقه می‌داند. او می‌نویسد:

در گذشته ایالات متحده در سراسر خاورمیانه محبوب و مورد احترام بود. آن تصویر دل‌پذیر در طول جنگ جهانی دوم زمانی از بین رفت که آمریکا به عنوان یک قدرت نو پدید در منطقه‌ای وارد شد که خودش در آتش آشوب‌های بزرگ داخلی می‌سوخت. نگرانی واشنگتن دربارهٔ اتحاد شوروی، دسترسی به نفت و برنامه این کشور برای ایجاد یک دولت یهودی در فلسطین تصویر مثبت آمریکا را از بین برد (هادسون، ۱۳۸۶: ۴۸۰).

در زمینه نقش‌آفرینی اروپا در خاورمیانه، اکثر منابع مطالعه خود را به بازیگری سه کشور محوری و مهم اروپایی یعنی انگلستان، فرانسه و آلمان محدود می‌کنند و براین اعتقادند که اتحادیه اروپایی به عنوان یک نهاد مستقل و یکپارچه نقش محدودی در خاورمیانه ایفا می‌کند. رولاند دنرویتزر در مقاله «چشم‌انداز نقش اروپا در فرایند صلح خاورمیانه» می‌نویسد:

فقط در حوزه سیاست‌گذاری روند صلح خاورمیانه است که اروپا به یک اجماع دست یافته است و با نهادمند شدن در قالب اتحادیه اروپایی خواهان تعریف و تعیین نقش و کارکردی متمایز برای خود بوده است. مسلماً در منطقه خلیج فارس برخی کشورهای خاص اروپایی همچون انگلستان، فرانسه و آلمان نقش‌های متمایزی ایفا کرده‌اند و به این شیوه خود ادامه می‌دهند و اتحادیه اروپایی به مثابه یک نهاد، حضور و عملکرد کم‌رنگ‌تری از خود نشان داده است (دنرویتزر، ۱۳۸۷: ۱۳۰-۱۲۹).

نکته مهم دیگر در ادبیات مربوط به حضور ایالات متحده و اروپا در خاورمیانه مقایسه این دو بازیگر به لحاظ میزان نفوذ، تأثیرگذاری بر مسائل و کیفیت نقش‌آفرینی در خاورمیانه است. در برخی از این مقایسه‌ها به میزان آسیب‌پذیری بیشتر اروپا نسبت به آمریکا در خاورمیانه اشاره شده است، در برخی دیگر با نگاهی خوش‌بینانه به اروپا گمان بر این است که در آینده اروپا به لحاظ میزان نفوذ جایگزین آمریکا در خاورمیانه خواهد شد و بعضی دیگر از نیاز اروپا به همکاری با آمریکا برای حل مشکلاتی چون مهاجرت به اروپا که ریشه در خاورمیانه دارند، صحبت می‌کنند. حسین صادقی در کتاب **طرح خاورمیانه بزرگ** عنوان می‌کند:

آمریکا و اروپا دارای منافع مشترکی در خاورمیانه هستند. به ویژه در زمینه‌های مبارزه با تروریسم، منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، ثبات و صلح در خاورمیانه، تأمین امنیت تولید و صادرات نفت و جلوگیری از گسترش بنیادگرایی اسلامی، دیدگاه‌های مشترکی دارند. اما بر سر چگونگی پیگیری این منافع تفاوت‌های قابل توجهی بین آن‌ها وجود دارد (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۹۰).

اصغر جعفری ولدانی در فصلی از کتاب **چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه** با برشمردن چالش‌های امنیتی نوین در خاورمیانه تحت عناوین: (۱) گسترش تکنولوژی موشک‌های بالستیک، (۲) گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، (۳) تروریسم نو، (۴) دولت‌های ضعیف و جنایات سازمان یافته، (۶) مهاجرت‌های گسترده و مسأله هویت در اروپا؛ از زاویه تهدیدهای امنیتی به رابطه اروپا و خاورمیانه می‌پردازد و معتقد است که رویکرد اتحادیه اروپا در خاورمیانه از دیرباز اساساً امنیتی بوده است و میزان آسیب‌پذیری اتحادیه اروپایی در خاورمیانه به دلایل موقعیت جغرافیایی، تعداد اعراب ساکن و وابستگی به نفت به مراتب بیشتر از آمریکا است (ولدانی، ۱۳۸۸: ۱۰۸-۱۰۴). فولکر پرتیز، در مقاله «خاورمیانه؛ موضوعی کلیدی برای گفتگوی اروپا و آمریکا» با در نظر گرفتن عامل جغرافیا به مقایسه نقش‌آفرینی آمریکا و اروپا می‌پردازد. به نوشته او:

اروپا به لحاظ نزدیکی جغرافیایی‌اش به آفریقای شمالی و خاورمیانه همواره به حفظ ثبات منطقه‌ای و پرهیز از هجوم مهاجران و ایجاد جنگ‌های داخلی و ستیزهای بین دولتی علاقمند بوده است و همواره بیشتر از ایالات متحده آمادگی پیشنهاد حمایت مالی برای تحولات اقتصادی و سیاسی منطقه را داشته است. اما ایالات متحده همواره آماده استفاده از زور بوده است. در مقایسه با اروپا دغدغه‌های آمریکا برای ثبات منطقه کمتر بوده و به اقدامات یکجانبه بیش از چندجانبه تمایل داشته است (پرتیز، ۱۳۸۷: ۱۲۶-۱۲۵).

محمد باقر سلیمانی در کتاب **بازیگران روند صلح خاورمیانه** با نقل جمله‌ای از کیسینجر به این مضمون: «گرچه شرایط فعلی تأمین‌کننده منافع آمریکا در خاورمیانه است، ولی رهبری آمریکا در خاورمیانه به پایان می‌رسد ... ما در دوران انتقالی قرار داریم و این دوران تقریباً ده سال طول می‌کشد تا بسیاری از مسئولیت‌هایی را که آمریکا به عهده دارد، به اروپا که دارای سهم بیشتری از نفت خاورمیانه می‌باشد، محول گردد.» بر این اعتقاد است که، [در خاورمیانه و روند سازش] آمریکا مجبور خواهد شد که نقش اروپا را به عنوان یک شریک برابر یا حداقل شریکی دارای نقش مکمل بپذیرد و حتی ممکن است نقش اروپایی در منطقه جایگزین نقش آمریکایی شود. او اشاره می‌کند چه بسا دخالت و حضور بیش از حد آمریکایی‌ها در منطقه و سیاست تبعیض‌آمیز این کشور به نفع اسرائیل، نهایتاً باعث انزوا و خروج واشنگتن از خاورمیانه گردد. و جای آن را کشورهای اروپایی که دارای مشارکت بیشتر در اقتصاد و تجارت و منافع متقابل بیشتر با کشورهای منطقه و همچنین سابقه حضور طولانی‌تر در منطقه و دارای سابقه حمایت بیشتر از اعراب در مقابل رژیم صهیونیستی هستند بگیرند (سلیمانی، ۱۳۷۹). جفری کمپ در مقاله «دشواری‌های اروپا در خاورمیانه و لزوم همکاری با آمریکا» دیدگاه خود را این-گونه مطرح می‌کند: